

بررسی جهانی شدن و تأثیر بحران‌های محیط‌زیستی بر حقوق بشر

سحر ناصر بخت^۱

چکیده

پژوهش حاضر درصدد بررسی جهانی شدن و تأثیر بحران‌های محیط‌زیستی بر حقوق بشر است. از این منظر پس از بسط فضای مفهومی موضوع، به بررسی چالش‌های محیط‌زیستی و تأثیر آنها بر حقوق بشر خواهد پرداخت. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این مقاله، روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای می‌باشد. در مقاله این سوال مطرح است که چه رابطه‌ای بین بحران‌های محیط‌زیستی و حقوق بشر وجود دارد؟ بحران‌های محیط‌زیستی چگونه بر حقوق بشر تأثیر می‌گذارند؟ در پاسخ این فرض مطرح است که: «در حال حاضر مسائل زیست‌محیطی در نقاط مختلف دنیا بعنوان مفاهیم اصلی حقوق بشری از طرف جامعه جهانی که روندی جهانی شدن آن فزاینده است پذیرفته می‌شوند در نتیجه تخریب و نابودی محیط‌زیست نوعی تخطی از حقوق بشر است» نتیجه حاصل شده از مقاله این است که برقراری ارتباط بین حقوق بشر و محیط‌زیست قربانیان تخریب محیط‌زیست را بیشتر به سوی اتخاذ نوعی از سازوکارهای حفاظتی سوق می‌دهد که در قالب سازوکارهای حقوق بشری مطرح می‌باشند.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، محیط‌زیست، جهانی شدن، بحران‌های محیط‌زیستی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امارات naserbakht_s41@yahoo.com

مقدمه

حقوق بشر از جمله مفاهیمی است که ریشه در خلقت و طبیعت بشری دارد و به انحاء مختلف در تمامی ادیان الهی و آموزه‌های دینی مورد بررسی قرار گرفته است. این حقوق از جمله قواعد حقوق طبیعی بوده که در چارچوب اصول کلی حقوق ذاتی تلقی می‌گردد و در نتیجه فراتر از اراده حاکمان، اصولی قهری، عام و فراگیر است که مشمول مرور زمان نخواهد شد و مختص به حیات فردی و اجتماعی بوده و خواهد بود. توجه به اهمیت فزاینده حقوق بشر و محوریت آن در تمامی مباحث مربوط به انسان و جوامع انسانی مطرح می‌باشد. حقوق بشر در یک برداشت جامع ناظر به مجموعه‌ای از قواعد، اصول، تمایلات و آرزوهای جوامع انسانی در حمایت و ارتقاء حقوق اساسی انسان می‌باشد و از این‌رو منشأ اصلی حقوق بشر، حقوق فطری بوده که با توجه به جذابیت‌های ذاتی نهفته در اصولی چون برابر، عدم تبعیض، آزادی، حق حیات، حق بر محیط زیست، حق بر صلح پایدار، حق برداشتن محاکمه عادلانه و حق بر انتخاب محل سکونت و اقامت و ... به تدریج قواعد الزام‌آور و ضمانت اجرایی آن برای دفاع از حقوق بشر شکل گرفته و مجموعه‌ای از قطعنامه‌ها، کنوانسیون‌ها، بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها را به همراه داشته است. آنچه در بحث حقوق بشر مطرح می‌باشد چالش‌های آن در عصر جهانی شدن است که در ابعاد مختلف مورد تاکید و توجه قرار گرفته است اما در این مقاله به بررسی چالش‌های حقوق بشر از منظر محیط زیست پرداخته می‌شود چراکه جدیدترین جامعه جهانی آگاهی خود را نسبت به رابطه میان تخریب محیط زیست و موارد سوء استفاده از حقوق بشر افزایش داده است. اعمال کردن و بهره‌مندی از حقوق بشر برای توسعه کامل و جامع بشر برای همه افراد ضروری است. حقوق بشر به ما کمک می‌نماید تا ویژگی‌ها، استعداد، قابلیت و تردیدها یا محذورات اخلاقی ذاتی‌مان را برای تحقق اهداف و نیازهای مذهبی‌مان گسترش دهیم. زندگی، ابزارهای امرار معاش، فرهنگ و جامعه از ابعاد اولیه و اساسی امرار معاش انسان و استقرار و دوام آنها یکی از ارکان اساسی حقوق بشر است. در نتیجه تخریب و نابودی محیط زیست نوعی تخطی از حقوق بشر است و استفاده و بهره‌مندی حداکثری از محیط زیست ممکن نیست مگر در صورتی که محیط زیست پس از تدوین یک طرح جدی و خطیر آسیب ببیند. احتمالاً کل جامعه در چنین شرایطی به شکلی گروهی همراه با فرهنگ خود تحلیل می‌رود و نابود می‌شود. هرچه محیط زیست ضعیف‌تر و فقیرتر شود، حقوق بشر نیز تضعیف می‌شود و بالعکس. ارضا و تحقق حقوق بشر ارتباطی نزدیک و مأنوس با مسائل محیط زیستی دارد. نه تنها می‌توان از حقوق مربوط به زندگی و سلامت بلکه از دیگر حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین حقوق سیاسی و مدنی در یک محیط زیست سالم و منطقی بطور کامل بهره‌مند شد (Otubu, 2010: 2-5). ضرورت و اهمیت مقاله حاضر در این موضوع نهفته است که امروزه چالش‌های حقوق بشر در ابعاد مختلف قابل بررسی هستند که در این پژوهش به برخی از آنها

پرداخته می‌شود ولی آنچه در این زمینه از اهمیت برخوردار است توجه به مسائل محیط زیست و تاثیر آن بر حقوق بشر بعنوان یکی از چالش‌ها می‌باشد.

۱- پیشینه پژوهش

بطور کلی مروری بر پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام شده در این زمینه از جنبه‌های مختلفی به چالش‌های محیط زیستی حقوق بشر توجه داشته‌اند.

۱) بهمنی قاجار (۱۳۸۶) در پایان‌نامه‌ای با عنوان: «حق آزادی و امنیت شخصی در نظام حقوق بشر و نظام حقوقی ایران» تلاش دارد تا به بررسی ارتباط میان دو مفهوم امنیت و حقوق بشر بپردازد لذا در این راستا اعتقاد دارد که حق آزادی و امنیت شخصی یکی از مهمترین حقوق بشری است که در ماده (۹) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده (۵) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است.

۲) بلیک راتنر، (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان: «امنیت زیست محیطی: ابعاد و اولویت‌ها»^۱ به این موضوع می‌پردازد که محیط زیست و عوامل موثر در آن چه رابطه‌ای با صلح و امنیت دارد. براساس یافته‌های این پژوهش، محیط زیست و منابع طبیعی نقش مهمی در حفظ صلح و امنیت ایفا می‌کند. نتیجه نگارنده از مقاله^{۳۷} خود این است که، سرمایه‌گذاری در امنیت زیست محیطی برای حفاظت از زیست‌بوم‌ها و تداوم زندگی بر روی زمین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۳) گوستاووسوسا- نونز و اد آتکینز، (۲۰۱۵) در کتابی با عنوان: «محیط زیست، تغییرات آب و هوایی و روابط بین‌الملل»^۲ مسائل مربوط به تغییرات آب و هوایی و محیط روز به روز از اهمیت بیشتری در روابط بین‌الملل برخوردار می‌شود. نویسنده در این کتاب به بررسی ارتباط پیچیده میان محیط زیست و تغییرات آب و هوایی و روابط بین‌الملل می‌پردازد. نگارنده در کتاب خود به این نتیجه می‌رسد که با توجه به خطرات و تهدیدهای ناشی از تغییرات آب و هوایی و زیست محیطی، این عوامل تأثیر بسزایی بر حفظ و بهبود صلح و امنیت بین‌المللی در جهان کنونی دارد.

۴) لوسیا موکرا و کریستینا جانکوا؛ (۲۰۱۵) در کتابی با عنوان: «حقوق بشر، امنیت انسانی و توسعه» در این کتاب که در سال ۲۰۱۵ منتشر شده است نویسندگان به بررسی موضوعاتی چون کمبود آب، موارد نقض

^۱ Environmental security: dimensions and priorities

^۲ Environment, Climate Change and International Relations

حقوق بشر و ناعدالتی زیست محیطی، کمک‌های بشردوستانه و ارتباط آن با امنیت انرژی و دیگر موارد مرتبط با امنیت انسانی می‌پردازند. نگارنده به این نتیجه می‌رسد که گسترش مسئله امنیت به حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و مسائل حقوق بشری نشان می‌دهد که امنیت یک مفهوم چندبعدی به شمار می‌رود و عوامل بسیاری صلح و امنیت بین‌المللی را با تهدید مواجه می‌کند.

۵) امپاروسان خوزه جیل (۱۹۹۸) در اثر خود با عنوان: «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقص حقوق بشر»؛ به بررسی مسئولیت دولت‌ها در امور بین‌المللی پرداخته و در لابلائی مطالب خود بحث مسئولیت دولت‌ها را در قبال آوارگی بررسی می‌کند در پژوهش خود بر کمبود اسناد و منابع قوی در راستای حوزه مسئولیت دولت‌ها اشاره دارد.

۶) اندیشکده برهان (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان: «حقوق بشر پارادوکس تئوریک و تناقضات عملی» که به سه فصل با دوازده مقاله تقسیم می‌شود نگارنده به این نتیجه می‌رسد که هدف اصلی از پژوهش‌های بومی در مورد حقوق بشر بایستی روشن کردن تفاوت فلسفی که نظام عقیدتی غرب و اسلام در باب حقوق بشر داشته و دارند نیز باشد. یعنی همان چیزی که حکومت‌ها، فعالان در مواضع مختلف یا اسناد ملل متحد به آن توجه ننموده‌اند. آنچه نوآوری این مقاله را نشان می‌دهد این است که امروزه بحران‌های محیط زیستی در ابعاد مختلف مطرح بوده و حقوق بشر را با چالش‌های اساسی روبرو نموده است لذا بررسی چگونگی تاثیر بحران‌های محیط زیستی بر حقوق بشر و رابطه میان آنها می‌تواند موضوعی نو و توأم با نوآوری باشد علاوه بر آن نیز بررسی پیشینه‌های پژوهش نشان داد که بحث تاثیر بحران‌های محیط زیستی بر حقوق بشر مغفول واقع شده است.

۳۸

۲- چارچوب نظری: جهانی شدن حقوق بشر

کلمه «globalization» در اصل از لحاظ لغوی، معنای متعددی دارد و می‌توان آن را در فارسی «جهانی کردن» معنا کرد؛ اما آنچه که امروزه از آن منظور می‌شود، معنای لازم آن یعنی «جهانی شدن» است و شاید همین ابهام و دوپهلویی، نشانه مقاصد گوناگون و متفاوتی باشد که از آن مراد می‌شود: مخالفان در مقابل روند جهانی «جهانی کردن» که به وسیله قدرت‌ها اعمال می‌شود مقاومت می‌کنند؛ و موافقان «جهانی شدن» آن را یک فرآیند گریزناپذیر می‌دانند که باید بطور منطقی به آن تن داد. مفهوم ضمنی «جهانی شدن» میباید و اراده فردی در تحقق این فرآیند و مفهوم نهفته در «جهانی کردن» اراده و قدرتی خارج از اشیا و پدیده‌های موضوع این فرآیند است که فارغ از موافقت یا مخالفت آنها در پی محقق ساختن این هدف است (Al-Rodhan & Stoudmann, 2006: 63).

جهانی‌شدن بعنوان مفهومی که هم به در هم فشرده شدن جهان و هم به تراکم آگاهی نسبت به جهان بعنوان یک کل دلالت دارد. با ایجاد فشردگی زمان و مکان، و امکان فضا‌مند شدن زندگی اجتماعی در فضایی که به شدت «مرکزیت زدایی» شده، باعث ایجاد آگاهی نسبت به جهان بعنوان یک کل و محوری‌ترین و مهم‌ترین موضوع در شناخت ابعاد و تاثیراتی که فرآیندهای جهانی شدن در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها بر جای می‌گذارد، فراهم آورده است. آگاهی از شناخت جهان بعنوان کل، که باعث افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابل فراتر از دولت‌ها و در نتیجه جوامع انسانی می‌شود. در این بین، نکته مهم آگاهی از خویشتن انسان بعنوان یک کل در فرآیند جهانی شدن ناشی از چنین تشدید روابط اجتماعی در بین افراد جوامع انسانی که خارج از حیطه مسئولیت و قدرت دولت‌ها است، شناخت و توجه به نقش انسان، جایگاه او در محیط پیرامونی آن و حقوقی که به سبب انسان بودن، باید در عصر جهانی شدن از آن برخوردار باشد، است. بر این اساس، شاهد آن هستیم که موضوع حقوق بشر و توجه به کرامت و حیثیت ذاتی فرد انسان‌ها، بعنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه ویژه روابط بین‌الملل در عصر جهانی شدن باعث اعتقاد به وجود یک رشته حقوق طبیعی و اولیه برای تمامی انسان‌ها صرف‌نظر از رنگ، نژاد، زبان، جنسیت و ... گردیده که حد و مرزهای ملی را در نوردیده و به صورت قواعد بنیادین حقوق بشر پدیدار شده و همچنان در حال تدوین، هنجارسازی و ضابطه‌مندی‌سازی است. در واقع جهانی شدن با فراهم آوردن دور ۳۹ جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل، مرز بین سیاست مبتنی بر قدرت و سیاست مبتنی بر هنجار را کمرنگ نموده و دولت‌ها و دیگر بازیگران صحنه بین‌المللی را به این نتیجه رسانده که منافع آنها با رعایت حقوق بشر و دیگر مؤلفه‌های آن بهتر از استفاده صرف از توانمندی‌های نظامی تأمین می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت جهانی شدن با رسوخ‌پذیری اندیشه حقوق بشر در قوانین اساسی و سازمان‌های سیاسی - اجتماعی کشورهای مختلف، فرهنگ حقوق بشری را در قوانین اساسی و شکل‌بندی اجتماعی کشورهای گوناگون وارد نموده و بدین طریق زمینه را برای جهانی شدن حقوق بشر فراهم آورده است (Mohd, 2018: 1-2).

در واقع، جهانی شدن حقوق بشر با تبدیل قواعد حقوق بشر به عرف بین‌الملل و در نهایت تلاش برای «آمره شدن» آن قواعد، باعث شده تا حمایت از حقوق بشر در نظام بین‌الملل پس از گذشت بیش از پنجاه سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر از جایگاه درجه دوم در سیاست بین‌الملل، به جایگاه درجه اول ارتقا پیدا نماید و از اهمیت و اولویت درجه اول در روابط بین‌الملل برخوردار گردد. بر این اساس، شاهد آن هستیم که استقبال جامعه بین‌المللی در همه مناطق جهان نسبت به استانداردهای حقوق بشر و غیرقابل انکار بودن همه اصول آن، به ویژه استثنا بردار نبودن ضمانت اجرای حقوقی نظیر: حق حیات، آزادی بیان و اندیشه، منع شکنجه، منع برده‌داری و بندگی، آزادی عقیده و مذهب و ... موجب شده تا نقض حقوق بشر در قرن بیست

و یکم برابر با نقض اصول آمره حقوق بین‌الملل باشد و نقض «قواعد آمره» مترادف با تهدید صلح و امنیت بین‌الملل قلمداد گردد (Mohd, 2018: 1-2).

جهانی شدن حقوق بشر از چند جهت مورد بحث و بررسی است. اول اینکه حقوق بشر بعنوان ارزش‌های اخلاقی و قاعده‌ای رفتاری در قوانین اساسی کشورها گنجانده شده است و دوم اینکه در عرصه بین‌الملل حقوق بشر بعنوان رویه رفتاری و مشروعیت‌بخش به رفتار انسان‌ها تبدیل شده است. از طرف دیگر جهانی شدن دموکراسی و نظام سرمایه‌داری نیز در حقیقت به جهانی شدن و بسط حقوق بشر کمک می‌کند. حقوق بشر بعنوان یک رژیم حقوقی امروزه در تمام قوانین اساسی کشورها برای رعایت حقوق انسان‌ها درج شده است. قوانین حقوق بشری مبنای شکل‌گیری نظام‌های سیاسی و اجتماعی در کشورهای گوناگون می‌باشد. مفاهیم برخاسته از حقوق بشر که در قوانین کشورها نمود یافته است در چند اصل می‌توانیم خلاصه کنیم:

- نشأت گرفتن حاکمیت از مردم و حقوق سیاسی ناشی از آن؛

- احترام و رعایت آزادی‌های عمومی و حقوق مدنی ناشی از آن؛

- به رسمیت شناختن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد انسانی در جوامع مختلف. بنابراین حقوق بشر از طریق درج شدن در قوانین اساسی کشورها ضمانت اجرایی نیز پیدا می‌کند (Arafat, 2013: 19-20).

۴۰

۳- جهانی شدن و بررسی رابطه محیط زیست و حقوق بشر

در کنفرانس سران کشورهای جهان وابسته به سازمان ملل متحد (WSSD)، که در ماه‌های آگوست و سپتامبر سال ۲۰۰۲ در ژوهانسبورگ در افریقای جنوبی برگزار شد، شرکت کنندگان در جلسه توافق کردند که حقوق بشر و ملاحظات اخلاقی را در حوزه حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار را در داخل طرح اجرایی (WSSD) بگنجانند. لذا در این راستا سه رویکرد مطرح گردید:

۱) رویکرد اول که احتمالاً نزدیکترین نمونه مشابه به بیانیه استکهلم است موردی است که براساس آن حفاظت از محیط زیست بعنوان یک پیش‌شرط برای تحقق استانداردهای حقوق بشری و بهره‌مندی از حقوق بشر تضمین شده در سطح بین‌المللی و خصوصاً حق زندگی و برخورداری از سلامت تشریح شده است. "کلوس تاپفر" نشان داد که این رویکرد در بیان و نگرش او نسبت به جلسه پنجاه و هفتم (۵۷) از کمیسیون حقوق بشر در سال (۲۰۰۱) است. در آن بیان شد که نمی‌توان از حقوق بشر در یک محیط زیست تخریب شده یا آلوده حفاظت کرد. حق اساسی برای زندگی در نتیجه تخریب و فرسایش خاک و از بین رفتن جنگل‌ها و قرار گرفتن در معرض مواد شیمیایی سمی، پسماندهای خطرناک و آب آشامیدنی آلوده تهدید شده است. شرایط محیط زیستی به شکلی واضح کمک می‌نمایند تا میزان بهره‌مندی افراد از حقوق اساسی‌شان برای

زندگی، سلامت، غذا و مسکن و سرزندگی و فرهنگ سنتی به میزانی کافی تعیین و محاسبه شود. زمان آن رسیده که مشخص شود افرادی که محیط زیست طبیعی را آلوده و نابود می‌کنند تنها مرتکب جنایت علیه طبیعت نمی‌شوند بلکه حقوق بشر را نیز نقض می‌کنند (Otubu, 2010: 2-5).

۲) دومین رویکرد مبتنی بر حقوق بشری که فعلاً موجود است بعنوان راهی برای حفاظت از محیط زیست تاکید دارد و بیان می‌کند که: "حفاظت از حقوق بشر در چارچوب حقوق و قانون ابزاری موثر برای تحقق حفظ و حفاظت از محیط زیست بعنوان اهداف است. این رویکرد موارد خاصی از حقوق بشر را بعنوان اجزای اصلی برای رسیدن به هدف حفاظت از محیط زیست تلقی می‌نماید که هدف اصلی آن حفاظت از سلامت بشر است. این رویکرد در بیانیه ریو به روشنی بیان شده است و در سطحی وسیع ارتباطی میان حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست از لحاظ روند و روال برقرار می‌کند و در قالب اصل شماره (۱۰) اعلام می‌کند که دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی و روندهای اجرایی و قضایی موثر شامل جبران خسارت و ترمیم می‌بایست تضمین شوند زیرا مسائل زیست محیطی در بهترین حالت در صورت مشارکت تمام شهروندان درگیر و مرتبط با آن کنترل و اداره می‌شوند. با این حال در سطح مربوط به این موضوع، همچنان بحثی تند و شدید پیرامون اینکه آیا می‌بایست حق واقعی و مستقل برای بهره‌مندی از محیط زیستی مطلوب را بعنوان یک حق قانونی قابل اجرا به رسمیت شناخت در جریان است.

۴۱

۳) سومین و جدیدترین رویکرد عبارت است از انکار وجود هرگونه ارتباط رسمی میان حقوق بشر و محیط زیست. در عوض این رویکرد ارتباطات مربوطه را بعنوان موضوعی غیرقابل تفکیک و جداسازی تلقی می‌نماید و حق برخورداری از محیط زیستی امن و سالم را بعنوان یک حق مستقل ذاتی (ماهوی) قلمداد می‌کند. در نتیجه هیچ الزامی برای وجود یک حقوق بشر نسبت به محیط زیست وجود ندارد. در ادامه این استدلال آمده است که از زمان برگزاری کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۷۲، حقوق بین‌الملل در حوزه محیط زیست تا حدی توسعه یافته است که حتی محیط‌های زیست کشوری (درون مرزی) در کشورها بین‌المللی شده است. با این حال هنوز افراد و گروه‌های زیادی در مخالفت با این دیدگاه وجود دارند و استدلال می‌کنند که در حقیقت در قرار دادن حقوق مربوط به محیط زیست تحت شمول حوزه حقوق بشر نفعی وجود دارد. این استدلال در سطحی وسیع‌تر بیان می‌کند که حقوق مربوط به محیط زیست در بسیاری از نقاط جهان در دو سطح بین‌المللی و داخلی از مشکل ثبات جایگاه رنج می‌برد و به دلیل وجود این مانع ذاتی، اغلب برای افراد و گروه‌ها دشوار است که موارد تخطی از حقوق بین‌الملل، پیمان‌ها یا دستورالعمل‌ها را به چالش بکشند.

کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل متحد که در سال (۱۹۹۲) که به شکلی غیررسمی همان اجلاس سران در بیانیه ریودوژانیرو پیرامون محیط زیست و توسعه است و به بیانیه ریو معروف است برگزار شد. بیانیه

ریو شامل ۲۷ اصل و جهت هدایت و جهت‌دهی خاص به سمت توسعه پایدار بالقوه در سراسر جهان تدوین شده است. در اصل یک چنین آمده است: "نقش انسان‌ها: بشریت در مرکز توجه و محور توسعه پایدار است". کارشناسان در اینجا حداقل سه مفهوم مختلف از حقوق مربوط به محیط زیست را مطرح می‌کنند:

(۱) حقوق محیط زیستی بعنوان یک حقوق بشر مجزا؛

(۲) حقوق محیط زیستی بعنوان موضوعی که در احاطه حقوق بشر تثبیت شده و دیرین است؛

(۳) حقوق محیط زیستی بعنوان حقوق محیط زیستی در معنای ذاتی و منحصر به فرد خود و فارغ از تاثیرات آن بر مردم.

برداشت از مفهوم اول عبارت است از حقوق مربوط به محیط زیست در حالیکه در آن حقوق بشر از کنوانسیون مستقل حقوق بشر مجزا و تفکیک شده است. بند (۱۱) از پروتکل سن سالوادور پیرامون کنوانسیون امریکایی حقوق بشر که در سال ۱۹۸۸ تصویب و در نوامبر سال ۱۹۹۹ اجرایی شد می‌توان مثالی خوب تلقی نمود که طی آن بیان می‌کند که "همه انسان‌ها می‌بایست حق زندگی در یک محیط زیست سالم و امکان دسترسی به خدمات دولتی اساسی را دارا باشند." منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها بیان می‌کند که: "همه افراد می‌بایست حق دسترسی به یک محیط زیست دولتی رضایت‌بخش و هماهنگ با توسعه و پیشرفت‌شان را دارا باشند." به نظر می‌رسد که حقوق مربوط به محیط زیست حقی مجزا در گزارش کمیسیون جهانی مربوط به محیط زیست و توسعه است که آن را بعنوان یکی از اصول حقوقی مربوط به محیط زیست و توسعه پایدار مطرح کرده و بیان می‌کند که: "همه انسان‌ها از حقی اساسی برای داشتن محیط زیستی مناسب برای سلامت و رفاه‌شان برخوردارند." در نهایت، لازم به ذکر است که گرچه از محیط زیست بعنوان یکی از حقوق بشر به ندرت در این اسناد نام برده شده است، اجزای سازنده این حق را می‌توان در بیانیه جهانی حقوق بشر و نیز در هردو پیمان (میثاق) پیدا کرد.

برداشت دوم از موضوع حقوق مربوط به محیط زیست بیانگر نوعی از حقوق است که در حقوق بشر فعلی نفوذ کرده است مانند حق زندگی، برخورداری از سلامت و بهداشت یا حق داشتن دارایی و ملک. این مفهوم قلمرویی محدود دارد اما مورد حمایت و تایید اغلب نهادهای حقوق بشری در سطح منطقه‌ای است. یک نمونه از آن حق داشتن ملک و دارایی است که در بند (۲۳) از بیانیه امریکایی حقوق بشر و وظایف انسان به "بیانیه امریکایی" مشهور است.

مفهوم سوم در بیانیه مربوط به محیط زیست این حقوق را به متعلق به خود محیط زیست می‌داند. در این دیدگاه محیط زیست یا زیست‌بوم محور، حقوق مربوط به محیط زیست تنها از این لحاظ حقوق بشر تلقی می‌شوند که انسان‌ها را ملزم می‌نمایند که آنها را وضع کنند. از آنجا که این نوع از حقوق در حقوق بین‌الملل تدوین شده یا متداول سابقه ندارد یا قضات در حقوق عرفی نسبت به کاربردی بودن آن رأی صادر نکرده‌اند

و احتمال انجام چنین کاری نیز بعید است، معمولاً دادگاه‌ها مسئول احقاق حقوقی هستند که تجربه‌ای دقیق نسبت به صدور حکم و استماع دعوی دارند و حتی ممکن است که تمایل کمتری به اعمال کردن حقوقی داشته باشند که بعنوان قانون هنوز دایر و اثبات نشده‌اند (Otubu, 2010: 2-5).

بنابراین در جمع‌بندی از بحث می‌توان بیان داشت که در هزاره سوم، محیط زیست مفهوم دیگری پیدا کرده و دیگر نمی‌توان با الگوها و مدل‌های قدیمی آن را تبیین کرد. محیط زیست، امروز در برگیرنده تمام مسائلی است که در صنعت، فرهنگ، اقتصاد و سیاست مطرح است. در این صورت وقتی می‌گوئیم محیط‌زیست، مثل گذشته مختص آلودگی‌ها یا حیات وحش نیست، بلکه شامل تمام جلوه‌ها و جنبه‌هایی است که به نوعی زندگی ما انسان‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این روند تا آن حد پیش رفته که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته برنامه‌ریزی محیط زیست در چارچوب برنامه‌ریزی کشوری مطرح می‌شود. مثال در کشوری مثل کانادا یا استرالیا در برنامه‌های پنج ساله، برنامه‌ریزی برای محیط زیست را در تمامی جنبه‌ها اعم از روش کار، راهکارها، بودجه‌بندی، زمان‌بندی و ساختار تشکیلاتی لحاظ می‌کنند. از سوی دیگر، افزایش جمعیت، رشد اقتصاد، فعالیت‌های صنعتی و پیشرفت‌های حاصل از فناوری‌ها و توسعه اجتماعی موجب شده تا بشر جهت رفع نیازهای بی‌انتهای خود اقدام به تخریب طبیعت و تغییر نوع پوشش طبیعی نماید. به همین دلیل الگوی نامناسب استفاده از سرزمین و تغییرات شدید آن منجر به پیدایش بحران‌های زیست محیطی شده ۴۳ است به همین منظور توجه به آمایش سرزمین جهت پیشگیری از بحران‌های محیط زیست و همچنین استفاده صحیح و پایدار از تمامی امکانات پهنه سرزمین می‌تواند یکی از موضوعات جدیدی باشد که توجه دولت‌ها و بخصوص سازمان مدیریت و حفاظت از محیط زیست را جلب نماید (Katsoulakos & others, 2016: 2).

۴- نسل سوم حقوق بشر «حق بر صلح، حق بر محیط زیست سالم و حق توسعه»

دهه‌های اخیر از نسل سوم حقوق بشر سخن به میان آمده است. حقوقی که در برخی از قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، برنامه‌ریزی اولیه تعدادی از معاهدات و در منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها از آن یاد شده است. در «حقوق جمعی» واژه‌ای است که به نسل سوم حقوق بشر اطلاق می‌شود. از میان حقوقی که در این نسل و در واژه مزبور کارایی دارند، می‌توان به حق توسعه، حق برخورداری از محیط زیست سالم و حق صلح اشاره کرد. استغن مارکز، نسل جدید حقوق بشر را شامل محیط زیست، توسعه، صلح، میراث مشترک بشریت، ارتباطات و کمک‌های بشردوستانه می‌داند. مؤلفه‌های اصلی حقوق نسل سوم، به معنای برابری و تساوی ابناء بشر یعنی مشارکت همه ارکان جامعه مدنی است که منجر به افزایش سطح رفاه عمومی می‌گردد. در واقع

در نسل سوم حقوق بشر، عناوین مسئولیت تا حدود زیادی تغییر کرده‌اند. مسئول اولیه در دو نسل اول و دوم در حمایت و تضمین حقوق بشر دولت است؛ اما در نسل سوم هر چند مسئولیت اولیه و اساسی با دولت خواهد بود ولی شاخص مشارکتی انواع حقوق نسل سوم، این مسئولیت را عملاً کمرنگ نموده است. البته توسعه همیشه یک مفهوم بحث‌انگیز بوده است همانند صلح، امنیت و حقوق بشر. این مقوله در سال‌های اخیر توجه زیادی را در سازمان ملل به خود جلب کرده است حق توسعه حاصل یک تحول مفهومی در درون این سازمان است (Macklem, 2015: 76).

تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در دسامبر ۱۹۴۸ و میثاق‌های حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اجتماعی و اقتصادی در ۱۹۴۸ زمینه‌ساز تولد حق توسعه می‌باشد. حق توسعه جزئی از حقوق بشر می‌باشد و یک حقوق اساسی که ضامن آزادی و پیشرفت، عدالت و خلاقیت انسان‌هاست پیش طرح حقوق بشر که توسط بنیاد بین‌المللی برای حقوق بشر تدوین شده است، حق توسعه را اینگونه تعریف می‌کند: حقوقی است که بهره‌مندی تمامی انسان‌ها از زن و مرد را در یک سهم عادلانه و متناسب از اموال و خدمات تولیدی جامعه جهانی فراهم می‌کند. در این برداشت هم به سهم دولت‌ها در تقسیم عادلانه کار بین‌المللی و هم به حق توسعه فردی توجه شده است. همچنین همبستگی ملی و بین‌المللی مبنای اصل توسعه تلقی شده و عدالت غایت و هدف توسعه قلمداد شده است. دموکراسی و توسعه در موارد اساسی باهم مرتبط هستند. چون دموکراسی تنها مبنای درازمدت برای مدیریت رقابت‌های نژادی، مذهبی بوده و منافع فرهنگی را از طریق که خطر خشونت و برخورد داخلی را به حداقل برساند، فراهم می‌آورد. آنها با هم مرتبط هستند به خاطر اینکه دموکراسی بطور ذاتی با مسئله حاکمیت مطلوب متصل است که این بر همه جنبه‌های توسعه تاثیر دارد. آنها با هم مرتبط هستند، به خاطر اینکه دموکراسی یک اصل اساسی حقوق بشر است یعنی پیشرفتی که خود یک اقدام مهم توسعه است. آنها با هم مرتبط هستند به خاطر اینکه مشارکت مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری که بر زندگی آنها تاثیر می‌گذارد یکی از اصول اساسی توسعه محسوب می‌شود (Macklem, 2015: 77).

اقداماتی چون تعیین روز جهانی صلح را می‌توان یکی از تلاش‌های جامعه بین‌الملل برای تضمین و تاکید بر حق بر صلح، بعنوان حق بنیادین بشری به شمار آورد. حق بر صلح در کنار حقوقی چون حق بر توسعه، حق بر محیط زیست سالم، حق بر ارتباطات، حق تعیین سرنوشت و حق بر میراث مشترک بشریت از جمله حقوق بشری نسل سوم، موسوم به حقوق همبستگی به شمار می‌رود که ویژگی مشترک همه آنها فقدان سند بین‌المللی الزام‌آور برای تضمین آنهاست، با این حال درج مکرر آنها در قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی و اعلامیه‌ها راه را برای ورود آنها به عرصه حقوق بین‌الملل عرفی و فراهم آمدن زمینه‌های لازم برای تدوین در قالب اسناد بین‌المللی الزام‌آور هموار می‌کند (Domaradzki & others, 2019: 431).

در سال‌های اخیر شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد اقداماتی را در زمینه توضیح و تدوین حق بر صلح انجام داده است، از میان این تلاش‌ها می‌توان به صدور قطعنامه ارتقای حق مردم بر صلح در سال ۲۰۰۹ اشاره کرد. در پی صدور این قطعنامه، کمیساریای عالی حقوق بشر اقدام به تهیه گزارشی در خصوص حدود و معنای حق بر صلح کرد که شاید بتوان آن را مبنای اصلی پیش‌نویس اعلامیه حق بر صلح که توسط کمیته مشورتی شورای حقوق بشر تدوین شده است، دانست. پیش‌نویس این اعلامیه که برای طرح و تصویب در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در حال تهیه است و بر موضوعاتی چون ممنوعیت تهدید یا توسل به زور، اعتراض به خدمات نظامی، حق بر تظاهرات برای صلح، مسئولیت قوای نظامی، حق برخورداری از امنیت، حق برخورداری از محیط زیست امن، سالم و صلح‌آمیز و حقوق قربانیان تأکید می‌کند (Domaradzki & others, 2019: 431).

در هزاره سوم، محیط زیست مفهوم دیگری پیدا کرده و دیگر نمی‌توان با الگوها و مدل‌های قدیمی آن را تبیین کرد. محیط زیست، امروز در برگرفته تمام مسائلی است که در صنعت، فرهنگ، اقتصاد و سیاست مطرح است. در این صورت وقتی می‌گوئیم محیط زیست، مثل گذشته مختص آلودگی‌ها یا حیات وحش نیست، بلکه شامل تمام جلوه‌ها و جنبه‌هایی است که به نوعی زندگی ما انسان‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این روند تا آن حد پیش رفته که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته برنامه‌ریزی محیط زیست در چارچوب برنامه‌ریزی کشوری مطرح می‌شود. مثال در کشوری مثل کانادا یا استرالیا در برنامه‌های پنج ساله، برنامه‌ریزی برای محیط زیست را در تمامی جنبه‌ها اعم از روش کار، راهکارها، بودجه‌بندی، زمان‌بندی و ساختار تشکیلاتی لحاظ می‌کنند. از سوی دیگر، افزایش جمعیت، رشد اقتصاد، فعالیت‌های صنعتی و پیشرفت‌های حاصل از فناوری‌ها و توسعه اجتماعی موجب شده تا بشر جهت رفع نیازهای بی‌انتهای خود اقدام به تخریب طبیعت و تغییر نوع پوشش طبیعی نماید. به همین دلیل الگوی نامناسب استفاده از سرزمین و تغییرات شدید آن منجر به پیدایش بحران‌های زیست محیطی شده است به همین منظور توجه به آمایش سرزمین جهت پیشگیری از بحران‌های محیط زیست و همچنین استفاده صحیح و پایدار از تمامی امکانات پهنه سرزمین می‌تواند یکی از موضوعات جدیدی باشد که توجه دولت‌ها و بخصوص سازمان مدیریت و حفاظت از محیط زیست را جلب نماید (Katsoulakos & others, 2016: 2).

۵- یافته‌های پژوهش: چالش‌های محیط زیستی

۱) آلودگی‌های زیست محیطی: آلودگی‌های مصنوعی توسط بشر و مصنوعات ساخت دست بشر بوجود می‌آیند که شامل آلودگی هوا، آب، محیط زیست، آلودگی صوتی، و نیز آلودگی بصری می‌باشد. تغییرات زیست محیطی جهان بطور ساده اجتناب‌ناپذیر است، زیرا تغییر بطور طبیعی به وجود می‌آید و نتیجه فعالیت‌های انسان، تولید انرژی ضایعات است که برخی از آنها آلودگی است که به تغییر زیست محیطی منجر می‌شود. برخی مسائل تغییر زیست محیطی جهانی ناشی از فعالیت‌های انسان را می‌توان در جملات زیر خلاصه کرد (خالدی، ۱۳۸۰: ۲۸۱):

۱) تغییر آب و هوایی ناشی از کنش‌های انسان که گاز کربنیک و دیگر گازهای گلخانه‌ای و اکسید گوگرد و عواقب آن را به فضای زیست محیطی انتقال می‌دهد؛

۲) انتشار اکسیدهای ازت و توسعه موارد فتوشیمیایی و ازن تروپوسفر؛

۳) انتشار کربن‌ها و تغییر و تخریب لایه ازن استراتوسفر و آثار مربوط به پرتوافکنی ماوراءبنفش؛

۴) نتایج جهانی توزیع و کاربرد مواد خطرناک شیمیایی از جمله آفت‌کش‌ها برای حیات؛

۵) انباشتگی زباله‌ها و فاضلاب‌ها و ضایعات حاصل از فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی؛

۶) ضایعات شهری، شیمیایی، سمی و رادیواکتیو.

۴۶

دنیای امروز به معنای عام با محوریت نظام سرمایه‌داری و کشورهای پیشرفته صنعتی به معنای خاص بعنوان کانون تولید علم و فن‌آوری، توسعه فن‌آوری را بگونه‌ای رقم زده‌اند که هیچ نظارت و کنترلی را بر نمی‌تابد و انسان را به دنبال خود می‌کشد و این انسان تابع، ناچار است خود را با انواع فن‌آوری‌های ارائه شده هماهنگ و همسو کند آنچه مردم امروز آن را تهدیدی برای بشریت به شمار می‌آورند (پهلوان، ۱۳۸۱: ۷۲). این مسئله سبب شده تا حقوق بسیاری از انسان در معرض خطر قرار گیرد که بیشتر ناشی از نوعی سهل‌انگاری می‌باشد فارغ از اینکه انسان‌ها باید به این درک برسند که امروزه محیط زیست ارتباط مستقیمی با حقوق بشر دارد در این راستا دادگاه حقوق بشر اروپا تاکنون در مورد ۳۰۰ مسئله محیط زیستی ورود کرده است و مفاهیمی همچون حق زندگی، آزادی بیان و ... را در مورد مسائل بسیار گسترده‌ای از جمله آلودگی هوا، فجایع طبیعی و دسترسی به اطلاعات زیست محیطی بکار برده است. فعالان محیط زیست نیز از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سطح ملی به منظور ترغیب دولت‌ها در جهت برداشتن گام‌های بیشتر برای مقابله با تغییرات اقلیمی و جلوگیری از نابودی محیط زیست استفاده کرده‌اند.

۲) بحران تکنولوژی: امروزه زندگی بشر با روند رو به رشد تخریب محیط زیست مورد تهدید قرار گرفته است. آلودگی هوا، آلودگی آب، نابودی پوشش‌های گیاهی، بیابان‌زایی، آسیب دیدن لایه ازن، انقراض نسل برخی از گونه‌های جانوری و سایر مشکلات زیست محیطی که تهدید کننده رشته حیات این کره خاکی

است سبب نگرانی نوع بشر شده است. این مسائل و مشکلات ناشی از یک بیماری در روح و روان انسان مدرن می‌باشد (محمدزاده و رضایی‌راد، ۱۳۹۷: ۷۳۲).

بنابراین در رابطه نقش تکنولوژی در محیط زیست می‌توان بیان داشت که یکی از بحران‌های امروز که آن را بیشتر زاینده گسترش تکنولوژی و پیشرفت‌های صنعتی و کشاورزی می‌دانند آلودگی محیط زیست است. آلودگی محیط زیست از منابع گوناگون صورت می‌گیرد و به دو بخش تقسیم می‌شود اول آلودگی‌هایی که منشأ طبیعی دارند و دوم آلودگی‌های غیرطبیعی که مستقیماً در اثر دخالت‌های انسان به وجود می‌آیند بنابه تعریف، آلودگی عبارت است از عرضه مستقیم یا غیرمستقیم ذرات، ارتعاشات، گرما یا صدا به هوا، آب یا خاک که مضراتی را برای انسان و یا کیفیت محیط زیست به همراه داشته باشد، همچنین آلودگی باعث انتشار مواد آلاینده به اتمسفر، تخلیه مواد آلاینده به آب و دفع زباله‌های جامد به محیط زیست می‌باشد که تمامی این موارد حاصل فعالیت‌ها و اقدامات بشری است و منجر به آسیب رسیدن به ذخایر مواد یا ایجاد اختلال در تسهیلات رفاهی و بطور کلی محیط زیست می‌گردد از جمله آلودگی‌های مهم که باعث تخریب و کاهش کیفیت محیط زیست می‌گردد (طهموریان، ۱۳۸۶: ۲۱۱) به شرح زیر می‌باشد:

آلودگی ناشی از صنایع منبع اصلی آلودگی است که در اثر فعالیت‌های مصنوعی ایجاد می‌شود. در میان صنایع نیروگاه‌های حرارتی، کارخانه‌های تولید مواد شیمیایی، سیمان‌سازی، کاغذسازی، نساجی، دباغی و ۴۷ غیره منابع اصلی آلودگی هوا هستند. غالب شکل‌های مختلف صنعتی دارای اثر بر روی محیط زیست و ناپایداری آن می‌باشد. اثرات در مراحل مختلف در سیکل زندگی هر محصول بستگی به مواد خام مورد استفاده تا مراحل نهایی مصرف محصول برای پسماندهای فاضلاب، بازسازی و استفاده مجدد تغییر می‌کند. اتفاقات و رویدادهای صنعتی و آسیب‌های ناشی از جنگ به نیروگاه‌های صنعتی نیز می‌تواند برای محیط زیست طبیعی خطرآفرین باشد.

۳) بحران کاهش و تجزیه زیستگاه‌ها و مناظر طبیعی: توسعه و بسط فعالیت‌های انسانی به محیط طبیعی، از طریق شهرنشینی، تفریح و سرگرمی، صنعتی‌سازی و کشاورزی ایجاد شده و باعث افزایش یکنواختی در مناظر طبیعی و نتیجتاً کاهش، ناپدید شدن و تجزیه و قطعه‌قطعه شدن مناظر طبیعی و زیستگاه‌ها می‌گردد کاهش اندازه زیستگاه‌ها باعث کاهش تنوع ژنتیکی گونه‌های موجود در آن می‌شود. زیستگاه‌های کوچکتر تنها می‌توانند جمعیت کوچکتری را در خود جای دهد که این موضوع منجر به بی‌خاصیت نمودن ظرفیت ژنی می‌گردد. کاهش منابع ژنتیکی از یک گونه باعث کاهش انعطاف‌پذیری و تکامل‌پذیری سازگار با موقعیت‌های در حال تغییر می‌گردد. این شرایط تحت چنین تغییرات کاهشی در زیستگاه‌ها اغلب ناشی از ارگانیزم‌های زندگی طبیعی آنها اتفاق می‌افتد که منجر می‌شود که آنها در یک روش طبیعی از زیستگاه‌های

تحت خطر خود فرار کنند. مسیرهای فرار آنها شامل مهاجرت به دیگر زیستگاه‌ها که سازگار با تغییرات هستند یا تبادل ژنتیکی با جمعیت‌های در زیستگاه‌های اطراف آنها می‌باشد (طاعتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳-۴).

۴) بحران مهاجرت: مهاجرت واژه‌ای است که برای انواع حرکات جمعیتی بین قلمروها که منجر به تغییر دائم یا نیمه‌دائم محل سکونت شود، بکار می‌رود (زرقانی و موسوی، ۱۳۹۲: ۸). مهاجرت بین‌المللی، پدیده‌ای است که دستاوردهای جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را شامل می‌شود. این مناظرات درباره کاهش باروری، جمعیت سالخورده، بیکاری، فرار مغزها، حقوق بشر، یکپارچگی اجتماعی، بیگانه‌هراسی، قاچاق انسان و نیروهای فردی نهادهای بین‌المللی، در مورد سیاست‌های مربوط به مهاجرت بین‌المللی و همچنین منافع بالقوه یا مضرات مربوط به کشورهای ترانزیت یا کشورهای ارسال / پذیرش مهاجر تجدیدنظر می‌کنند اما آنچه امروزه مهم تلقی می‌شود ارتباط مهاجرت با بحران محیط زیست است مبنی بر اینکه وقتی که تخریب محیط زیست، زندگی مردم را به مخاطره اندازد یا به کیفیت زندگی آنها لطمه‌ای جدی زند مردم منطقه خود را ترک می‌کنند. این پناهندگان زیست محیطی ممکن است در داخل کشور خود جابجا شوند و یا اصلاً کشور خود را ترک کنند. اسکان این پناهندگان در مناطق جدید با تشدید رقابت محلی بر سر منابع طبیعی که می‌تواند واکنش مردم بومی را در پی داشته باشد، از یک سو فشار شدیدی را بر آن کشور وارد می‌سازد (بویژه اگر همراه با خشونت باشد) و از سوی دیگر می‌تواند به منازعه بین دولت‌ها دامن بزند.

۴۸

جودی جاکوبسن^۱ به سه نوع مهاجرت زیست محیطی اشاره کرده است:

- ۱) کسانی که در اثر حوادث محلی مانند بهمن یا زلزله بطور موقتی دست به مهاجرت می‌زنند؛
 - ۲) کسانی که به دلیل مختل شدن امرار معاش خود یا به خطر افتادن جدی سلامت خود در اثر تخریب زیست محیطی دست به مهاجرت می‌زنند.
 - ۳) و کسانی که به دلیل گسترش کویر در اثر فرسایش زمین یا به دلیل بروزسانی سایر دگرگونی‌های دایمی و غیر قابل تحمل در محیط طبیعی زندگی خود دست به مهاجرت می‌زنند.
- کشورهای در حال توسعه در مقابل آثار اجتماعی تخریب محیط زیست معمولاً آسیب‌پذیری بیشتری دارند. این کشورها فاقد منابع مادی، مالی و فنی لازم برای مدیریت مسایل زیست محیطی هستند و نهادهای سیاسی و اجتماعی آنها اغلب جلوی اقدام هماهنگ در مقابل این مسائل و آثار آنها را می‌گیرد. بسیاری از کشورهای در حال توسعه با کمبود فزاینده زمین و در نتیجه کاهش تولید کشاورزی، افول اقتصادی، مهاجرت جمعیت روبرو هستند.

^۱ Judy Jacobsen

۵) بحران تغییرات آب و هوایی: تغییر اقلیم، به هرگونه تغییر واضح و مشخص در الگوهای مورد انتظار برای وضعیت آب و هوایی، که در طولانی مدت در یک منطقه خاص یا برای کل اقلیم جهانی رخ دهد را گویند (فرج‌زاده و الهی، ۱۳۹۹: ۵۲). تغییرات آب و هوایی نه تنها زیستگاه‌های طبیعی بلکه ترتیبات ما را مختل می‌سازد و احتمال درگیری‌های خشونت‌آمیز را افزایش می‌دهد. به نظر می‌رسد هنوز بحث بر سر این مسئله ما بین مقامات بین‌المللی زیست محیطی و جنبش‌های زیست محیطی وجود داشته و حل و فصل نشده است، چراکه بعنوان یک تهدید در دستورکار قرار داشته و کماکان ادامه دارد. دگرگونی از ویژگی‌ها و شاید با ثبات‌ترین اصل اقلیم باشد. درون این دگرگونی‌ها نوسانات و افت و خیزهایی نیز دیده می‌شود. امروزه رخداد تغییر اقلیم و گرمایش جهانی ذهن همه اندیشمندان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. افزایش طول دوره رشد، افزایش دما و ذوب شدن یخ‌های قطب شمال و بالا آمدن تراز آبها، کاهش باران و خشکسالی‌های پیاپی و شدید، افزایش رخداد سیلاب‌ها، امواج گرمایی و کاهش امواج سرما بعنوان نشانه‌های از تغییر اقلیم، موجب مشکلات اقتصادی و اجتماعی فراوانی در سراسر جهان شده‌اند (دهقانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۰-۸۰).

تغییرات آب و هوایی فوق در حال حاضر بر همه کشورها تأثیر گذاشته، اما بدترین وضعیت هنوز در انتظار نیست. پیش‌بینی‌های IPCC در مورد تغییرات آب و هوایی در آینده باعث نگرانی می‌شود: تمام سناریوهای ۴۹ موجود نشان می‌دهد که گرم شدن زمین تا پایان قرن ۲۱ ادامه خواهد یافت و افزایش می‌یابد (Сафонов, 2019: 8-12). مسائل زیست محیطی، از جمله آلودگی هوا و تغییرات اقلیمی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد در این بین می‌توان به مواردی همچون حق داشتن بهداشت و آب، حقوق رویه‌ای مانند حق گردهمایی، بیان و اطلاعات اشاره کرد که همه این‌ها برای حفاظت از محیط زیست بسیار مهم به شمار می‌آیند. بسیاری از قوانین اساسی و تعدادی از چارچوب‌های منطقه‌ای حقوق بشر دارای اطلاعات ناکافی در مورد حق داشتن یک محیط زیست سالم هستند و بر روی پیوند مبهم و حل نشدنی میان حقوق بشر و محیط زیست تأکید دارند. در چند دهه اخیر، مدافعان حقوق بشر بطور فزاینده فعالیت‌هایی را که به محیط زیست آسیب می‌زنند، در دادگاه‌ها و کمیسیون‌های بین‌المللی به چالش کشیده‌اند. کلینیک بین‌المللی حقوق بشر از طریق دعاوی قضایی، پژوهش و ایجاد گروه‌های حمایتی به حوزه حقوق بشر و محیط زیست ورود کرده است. کلینیک بین‌المللی حقوق بشر تمرکز ویژه‌ای بر روی صنایع استخراجی که غالباً با سوء استفاده فاحش از حقوق بشر سروکار دارند، قائل می‌شود.

۶) امنیت، محیط زیست و تأثیر تغییرات محیط زیستی بر امنیت: یکی از مفاهیمی که به شدت با امنیت جامع ارتباط نزدیک داشته و نوعی رابطه متقابل میان آنها برقرار است محیط زیست می‌باشد. در این راستا

می‌توان استدلال نمود که پس از اتمام جنگ سرد، ارتباط میان تغییرات، فشارها و فرسایش زیست‌محیطی و موضوع امنیت مورد توجه بسیاری از متخصصان این حوزه قرار گرفته است. ایده امنیت زیست‌محیطی از نظر تاریخی به درگیری‌هایی مربوط می‌شود که در نتیجه فرسایش زیست‌محیطی در یکی از این حوزه‌ها بوجود می‌آید: استفاده بیش از حد از منابع تجدیدپذیر، آلودگی و کاهش باروری زمین‌های کشاورزی. امروزه نگرانی‌های زیست‌محیطی به یک مسئله جدی امنیتی در مناسبات بین‌المللی تبدیل گردیده و دغدغه‌های مهمی را برای دولتمردان ایجاد نموده است. از آنجا که مشکلات زیست‌محیطی ناشی از تغییرات آب و هوایی در حال جدی‌تر شدن است، این امر می‌تواند بعنوان متغیری تأثیرگذار در منازعات داخلی، یا بین‌المللی قلمداد شود. تغییرات آب و هوایی نه تنها زیستگاه‌های طبیعی بلکه ترتیبات اجتماعی جوامع را مختل می‌سازند و احتمال درگیری‌های خشونت‌آمیز را افزایش داده و صلح و امنیت بین‌الملل را با خطر مواجه ساخته و عدالت زیست‌محیطی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Mahutova K., Barich, 2005: 4-8).

بنابراین مطالعات محیط زیست و امنیت به موضوعاتی از قبیل تأثیر تغییرات آب و هوایی و گرم شدن کره زمین بر گسترش درگیری‌ها در کشورهای مختلف می‌پردازد. «نظریه درگیری‌های زیست‌محیطی»^۱ بر نقش کمبود منابع طبیعی بعنوان یک متغیر مستقل در گسترش درگیری‌های نظامی و خشونت‌آمیز متمرکز است. مطالعه درگیری‌های زیست‌محیطی شامل بررسی تهدیدها و خطرات ناشی از جنگ‌های داخلی بر سر منابع طبیعی می‌شود. استدلال اصلی آن‌ها این است که تغییرات آب و هوایی کمبود منابع طبیعی را افزایش می‌دهد و جوامعی که نتوانند با این چالش بطور موثر و کارآمد مقابله نمایند - کشورهای با درآمد کم و وابسته به منابع و با نهادهای سیاسی ضعیف - با گسترش خشونت مواجه خواهند شد. بطور دقیق‌تر می‌توان گفت که متخصصان این حوزه به سه پیامد ناشی از تغییرات زیست‌محیطی اشاره می‌کنند.

(۱) بی‌ثباتی سیاسی: کمبود منابع اقتصاد ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و میزان درآمد دولت را کاهش می‌دهد که این امر می‌تواند به کاهش توانایی‌ها و ظرفیت دولت در حل مشکلات و در نتیجه کاهش مشروعیت آن منجر شود. این مسئله می‌تواند به قیام و شورش‌های داخلی بیانجامد که مانند بحران سوریه ممکن است ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی نیز به خود بگیرد.

(۲) بروز مشکلات اقتصادی و نبود امنیت غذایی: از دیگر پیامدهای تغییرات اقلیمی و زیست‌محیطی به شمار می‌رود. این مشکل در کشورهایی که از نظر اقتصادی به بخش کشاورزی وابسته هستند بیشتر امنیت ملی آن‌ها را تهدید می‌نماید. برخی از کارشناسان برای توضیح و تبیین علل بروز جنگ داخلی رواندا و ظهور پدیده بهار عربی به این نوع از مشکلات اقتصادی اشاره می‌کنند.

^۱ Environmental Conflict thesis

۳) در نهایت، مطالعات مربوط به پیامدهای تغییرات اقلیمی: به جابجایی‌های بزرگ جمعیتی در نتیجه تغییرات زیست‌محیطی اشاره می‌کنند که می‌تواند به دلایل مختلف - از قبیل درگیری میان مهاجران و جمعیت بومی آن منطقه- به گسترش درگیری و خشونت منجر شود.

امنیت زیست محیطی، وضعیت پویایی‌شناسی انسان - محیط است که شامل بازسازی آسیب‌های زیست محیطی ناشی از اقدامات نظامی، بهسازی منابع کمیاب، فرسایش منابع و تهدیدات زیست‌شناختی است که می‌تواند به بروز بی‌ثباتی و تضاد اجتماعی منجر شود. امنیت زیست محیطی، حفاظت از محیط‌های طبیعی برای رفع نیازهای جامعه است بگونه‌ای که به ذخایر آن آسیب نرسد.

در جمع‌بندی از بحث می‌توان بیان داشت که در سال‌های اخیر، یک رویه‌ای در مردم و سازمان‌ها مبنی بر محافظت از حقوق بشر به منظور مقابله با بحران‌های زیست محیطی بوده است. تعدادی از رویه‌ها و استانداردهای بین‌المللی حقوقی که توسط شورای اروپا تدوین شده‌اند- از جمله کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور اجتماعی اروپا و کنوانسیون برن در مورد حفاظت از حیات وحش و زیستگاه اروپا- در حل و مسائل زیست محیطی موفقیت‌آمیز بوده‌اند (Katsoulakos & others, 2016: 2).

نتیجه‌گیری

با بررسی این مقاله می‌توان بیان داشت که در چهارچوب حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی افراد نوع بشر حائز اهمیت بوده و دولت‌ها براساس مسئولیت بین‌المللی موظف هستند تا به حقوق آنها توجه نموده و این موضوع یک اصل حقوق بشری و اصلی جهانی تلقی می‌گردد اما این اصل به وضوح از سوی دولت‌ها از طریق مختلف مدام نقض شده است یکی از این طرق عدم توجه به محیط زیست و تخریب آن است که سبب ایجاد چالش محیط زیست برای حقوق بشر شده و ارتباط میان حقوق بشر و محیط زیست را فراهم کرده است لذا می‌توان بیان داشت که برقراری ارتباط میان حقوق بشر و محیط زیست تسهیل‌کننده ادغام شدن اصول مربوط به حقوق بشر براساس یک چارچوب زیست محیطی است. حقوق بشر در نتیجه ادغام شدن دغدغه‌ها و اهداف زیست محیطی که به قربانیان تخریب محیط زیست فرصت بهره‌مندی از عدالت را می‌دهد و امکان بسط دادن قلمرو حفاظت از حقوق بشر و تدوین راه‌حل‌های قاطع برای موارد مربوط به تخریب تقویت می‌شوند. برقراری ارتباط بین حقوق بشر و محیط زیست قربانیان تخریب محیط زیست را بیشتر به سوی نوعی از سازوکارهای حفاظتی سوق می‌دهد که در نتیجه حقوق بشر ارائه شده‌اند. در نهایت می‌توان بیان نمود که در حال حاضر مسائل زیست محیطی در نقاط مختلف دنیا بعنوان مفاهیم اصلی حقوق بشری از طرف جامعه جهانی که روندی جهانی شدن آن فزاینده است پذیرفته می‌شوند در نتیجه تخریب و نابودی

محیط زیست نوعی تخطی از حقوق بشر است» نتیجه حاصل شده از مقاله این است که برقراری ارتباط بین حقوق بشر و محیط زیست قربانیان تخریب محیط زیست را بیشتر به سوی اتخاذ نوعی از سازوکارهای حفاظتی سوق می‌دهد که در قالب سازوکارهای حقوق بشری مطرح می‌باشند.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۱)، *توسعه فرهنگی (مجموعه مقالات)*، ترجمه: احمد صبوری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- خالدی، شهریار (۱۳۸۰)، *بلاای طبیعی*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳- دهقانی، طیبه و دیگران (۱۳۹۷)، «اثر تغییر اقلیم بر میزان آب قابل بارش در سواحل شمالی خلیج فارس»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیا، س ۱۸، ش ۴۹.
- ۴- زرقانی، هادی و موسوی، زهرا (۱۳۹۲)، «مهاجرت‌های بین‌المللی و امنیت ملی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۵۹.
- ۵- طاعتی، هیمین و دیگران (۱۳۹۲)، «بررسی اثرات تکنولوژی و پیامدهای آن بر محیط زیست»، *سومین کنفرانس بین‌المللی برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست*، دانشگاه تهران.
- ۶- طهموریان، فاطمه (۱۳۸۶)، *اصول مدیریت محیط زیست*، تهران: انتشارات ایساتیس.
- ۷- فرج‌زاده، منوچهر و الهی، سینا (۱۳۹۹)، «تحلیل تغییرات آب و هوایی در غرب کشور (مطالعه موردی: سینوپتیک سنندج)»، *نشریه پژوهش‌های تغییرات آب و هوایی*، س ۱، ش ۳.
- ۸- محمدزاده، سعادت و رضایی‌راد، عبدالحسین (۱۳۹۷)، «طبیعت و محیط زیست در ادیان و آئین‌ها با تأکید بر دیدگاه اسلامی»، *کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی*.

لاتین:

- 9- Al-Rodhan, N. R & Stoudmann, G (2006). *Definitions of globalization: Acomprehensive overview and a proposed definition*. Program on the Geopolitical Implications of Globalization and Transnational Security.
- 10- Arafat, S (2013). "Globalization and human rights: An overview of its impact." *American Journal of humanities and social sciences*, 1(1), 18-24.
- 11- Domaradzki, Khvostova & Pupovac, Karel Vasak's. (2019). Generations of Rights and the Contemporary Human Rights Discourse. *Hum Rights*, Rev 20, 423-443, <https://doi.org/10.1007/s12142-019-00565-x>

- 12- Ganaie, Mohd (2018). "Globalization and Human Rights". *The Journal of Infection in Developing Countries*.
- 13- Katsoulakos, Nikolas & Misthos, Loukas-Moysis & Doulos, Ilias & Kotsios, Vaios (2016). *Environment and Development*. 10.1016/B978-0-444-62733-9.00008-3
- 14- Katsoulakos, Nikolas & Misthos, Loukas-Moysis & Doulos, Ilias & Kotsios, Vaios (2016). *Environment and Development*. 10.1016/B978-0-444-62733-9.00008-3
- 15- Mahutova K, Barich J.J (2005). *Relationship of Environment and Security*. In: Mournighan R., Dudzińska M.R.
- 16- Otubu, Akintunde (2010). "Environmental Protection and Human Rights: An Overview of Current Trends". *SSRN Electronic Journal*. 10.2139/ssrn.1718380
- 17- Patrick, Macklem (2015). Human rights in international law: three generations or one, *London Review of International Law*, Volume 3, Issue 1, March 2015, Pages 61–92.
- 18- Георгий, Сафонов (2019). ИЗМЕНЕНИЕ КЛИМАТА И ОБЩЕСТВО, ФОНД ИМ. ФРИДРИХА ЭБЕРТА, pp:8-12, <http://library.fes.de/pdf-files/id-moe/16398.pdf>

